

شکل‌شناسی ازدواج در قصه‌های عامه

(با تکیه بر قصه‌های مشدی گلین خانوم)

نرگس باقری^۱ پرپوش میرزاییان^{۲*}

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۳)

چکیده

نهاد خانواده یکی از اصلی‌ترین هسته‌های جامعه بشری است و ازدواج جایگاهی ویژه در تشکیل این هسته اساسی دارد. در ادبیات عامه ایران نیز قصه‌ها، مثل‌ها و ترانه‌های بسیاری با محوریت ازدواج خلق شده است. این مقاله بر آن است که با بررسی ۲۴ قصه از **قصه‌های مشدی گلین خانوم**، به چگونگی شکل‌گیری ازدواج در آن‌ها پردازد و با واکاوی کلیشه‌ها و گره‌های تکراری در قصه‌ها، گامی در جهت شناخت بهتر تخیل جمعی مردمان این سرزمین در دوره‌های گذشته بردارد. نکته اصلی در بیشتر این قصه‌ها، وجود کلیشه‌هایی چون حسادت، عشق در یک نگاه، ازدواج دختر فقیر، پسر پادشاه یا پسر فقیری که داماد شاه شد و ... است. در بیشتر موارد عاملی شر وجود دارد که مانع ازدواج دو طرف است و در پایان با کمک نیروی خیر- که در برخی موارد نیروی ماورائی است- قهرمان به وصال و خوشبختی خواهد رسید.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، ادبیات عامه، شکل‌شناسی، قصه‌های مشدی گلین خانوم.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

نهاد خانواده مهم‌ترین هسته اجتماعی است و یافتن همسری ایده‌آل و تشکیل خانواده یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر به‌شمار می‌رود. فروم^۱ معتقد است عشق ناشی از نیاز انسان به دور ماندن از جدایی و تنهایی است؛ زیرا غلبه بر جدایی و احساس تنهایی، مهم‌ترین مسئله بشر در طول تاریخ بوده است (شمشیری، ۱۳۹۱: ۸۲).

بشر در طول تاریخ برای توضیح مسائل زیستی، خواسته‌ها، ترس‌ها و آرزوهایش به روش‌های مختلفی رو کرده و آنچه در تخیل جمعی مردمان گذشته وجود داشته از طریق اسطوره‌ها، سرودها و اوسنه‌ها سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به صورت شفاهی منتقل شده است. انسان اساطیری با قصه زاده شده و با قصه هیبتی یافته که زندگی گروهی و دانش قومی را یار و مددکار شده است. قصه از جمله پرتوان‌ترین ابزارها در شناساندن انسان به انسان است (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۱۸).

به گفته سیروس پرهام قصه‌ها و قهرمانان آن‌ها مظهر آرزوهای نهفته‌ای هستند که قرن‌ها در نهران‌خانه خاطر مردم ساده‌دل خانه کرده و چون در صحنه زندگی به حقیقت نپیوسته‌اند، در قصه‌ها و داستان‌ها جلوه‌گر شده‌اند (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۱۴۳).

در طول تاریخ، گونه‌های ازدواج همواره یکی از عوامل پدیدارشناختی فرهنگی-اجتماعی جوامع بوده است. گونه‌های ازدواج در باورها و سنت‌های هر ملت ریشه‌های عمیق دارد و یکی از راه‌های شناخت آن‌ها بررسی آثار به‌جامانده از آن گونه فرهنگی است (جعفریور، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

۲. شکل‌شناسی و اهمیت آن

فرمالیست‌ها یا صورت‌گرایان برای نخستین‌بار به صراحت درباره شکل نظر دادند (مشتاق‌مهر و کریمی قره‌بابا، ۱۳۸۸: ۷۶). رویکرد اساسی فرمالیست‌ها درباره شکل اثر ادبی بر

این باور استوار بود که هر نکته ادبی از واژه تا سخن، باید در پیوندی که با دیگر نکته‌ها می‌یابد، بررسی گردد و شناخته شود و به این اعتبار شناخت ساختار یا شالوده اصلی اثر مهم‌ترین جنبه پژوهش ادبی است (همانجا).

شناخت ماهیت موضوع و محتوا و همچنین شکل یا فرم هنری، مقدمه‌ای برای تحلیل و بررسی رابطه فرم و محتواست (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۹: ۷۰). شکل‌شناسی هم در شناخت فرهنگ، هم در شناخت اشتراکات فرهنگ بشری، محققان را یاری تواند کرد و اگر شاه‌راهی به سواد اعظم معرفت جوهر انسان نباشد، بی‌گمان کوره‌راهی بر کوره‌ده آگاهی به عوارض انسانیت خواهد بود (سرامی، ۱۳۶۸: ۱۲).

بررسی شکل‌شناسانه ازدواج در *قصه‌های مشدی گلین خانوم* - که یکی از گنجینه‌های مکتوب داستان‌های عامه است - می‌تواند فرهنگ عامه و همچنین تخیل جمعی مردم را درباره ازدواج، به صورتی واضح‌تر نشان بدهد. کتاب *قصه‌های مشدی گلین خانوم* شامل ۱۱۰ قصه است. در این مقاله به بررسی ۲۴ قصه از این کتاب خواهیم پرداخت که در همه آن‌ها ازدواج یکی از موضوعات قصه (خواه اصلی و یا فرعی) مطرح شده است.

پیشینه تحقیقات شکل‌شناسانه در ادبیات فارسی چندان طولانی نیست؛ بلکه پژوهشگران در سه دهه اخیر به بررسی‌های صورت‌گرایانه روی آورده‌اند (مشتاق‌مهر و کریمی قره‌بابا، ۱۳۸۸: ۷۶). از جمله آثاری که به بررسی شکل‌شناسانه پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب *از رنگ گل تا رنج خار* نوشته قدمعلی سرامی، مقاله «شکل‌شناسی داستان‌های کوتاه محمود دولت‌آبادی» نوشته مشتاق‌مهر و کریمی قره‌بابا و مقاله «شکل‌شناسی ازدواج در *شاهنامه*» نوشته نسرین ابوالمعالی الحسینی اشاره کرد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. جدول‌های بررسی قصه‌ها

جدول شماره ۱- کره دریایی (۱) و (۲) (۳۱۴*) (ساتن، ۱۳۷۴: ۲۱-۴۱)

کنش‌های اصلی	اسب شاهزاده کره دریایی است با نیرویی خارق‌العاده؛ حسادت زنان حرم‌سرا به شاهزاده؛ کمک‌های اسب به شاهزاده برای رهایی از دسیسه‌ها؛ فرار پسر از شهر خود و باغبان شدن در باغ پدر دختر؛ عاشق شدن شاهزاده و ازدواج با دختر پادشاه آن شهر؛ پادشاه شهر پسر را به عنوان داماد قبول ندارد، اما بعد از اثبات شاهزاده‌بودنش او را جانشین خود می‌کند.
ویژگی‌های بارز طرفین	دختر و پسر هر دو شاهزاده و بسیار زیبا هستند.
عشق	در کره دریایی (۱) شروع عشق از جانب پسر است؛ اما دختر نیز به محض دیدن او عاشق می‌شود و از شدت عشق از هوش می‌رود. در کره دریایی (۲) دختر به شکل اتفاقی از شاهزاده‌بودن پسر مطلع می‌شود و با دیدن زیبایی پسر عاشق او می‌شود.
موانع ازدواج	شاهزاده مجبور است در باغ پدر دختر به عنوان باغبان کار کند. پدر دختر نمی‌تواند او را به عنوان داماد خود قبول کند.
نیروهای یاریگر	کره دریایی می‌تواند حرف بزند و پسر را از دسیسه‌ها و خطرهای آگاه کند. این اسب برای ازدواج به او کمک می‌کند.

جدول شماره ۲- ملک محمد و طلسم دختر شاپور شاه (۵۱۶B) (همان، ۸۰-۸۹)

کنش‌های اصلی	وجود دروازه‌ای ممنوعه و طلسم شدن برادران ملک محمد با عبور از آن؛ رفتن ملک محمد به دنبال برادران و فرار از طلسم با راهنمایی دو کبوتر و
--------------	---

<p>ازدواج با دختر شاپورشاه؛ عشق پسر پادشاه مصر به دختر شاپورشاه با دیدن لنگه کفش او؛ بردن دختر با مکر و حيله به مصر؛ نجات دختر توسط ملک محمد و وزیر با راهنمایی دو کبوتر؛ نجات دو برادر ملک محمد از طلسم دختر.</p>	
<p>ملک محمد شاهزاده است. دختر نیز با توجه به عنوان داستان شاهزاده است. دختر زیباروست و صاحب چوبدستی و اسبی با نیرویی سحرآمیز است.</p>	<p>ویژگی‌های بارز طرفین</p>
<p>ملک محمد برای رهایی برادرانش از طلسم نزد دختر می‌رود و با کمک کبوترها به طلسم گرفتار نمی‌شود. دختر به همین سبب حاضر به ازدواج با او می‌شود. ملک محمد از عشق، دختر برادران خود را فراموش می‌کند. در ادامه قصه، پسر پادشاه مصر لنگه کفش دختر را در آب می‌بیند و ندیده عاشق صاحب آن می‌شود.</p>	<p>عشق</p>
<p>دختر هر کسی را که به قلمروش نزدیک می‌شود، به کمک چوبدستی خود به سنگ تبدیل می‌کند.</p>	<p>موانع ازدواج</p>
<p>دو کبوتر سخنگو راز طلسم را برای ملک محمد می‌گویند. در پایان داستان نیز دو کبوتر به وزیر کمک می‌کنند تا ملک محمد را زنده کند.</p>	<p>نیروهای یاریگر</p>

جدول شماره ۳- عروسک بلور (همان، ۹۰-۹۳)

<p>خریدن عروسک توسط تاجر برای همسر خود؛ شباهت عروسک به انسان و عاشق شدن پسر پادشاه پس از دیدن او از پشت پنجره؛ تدبیر تاجر و عقد دختر خواهرزاده تاجر و شاهزاده بدون اینکه شاهزاده بداند؛ اطلاع شاهزاده از اینکه معشوقش عروسک بوده است؛ و پسندیدن دختری که به عقدش درآمده است.</p>	<p>کنش‌های اصلی</p>
<p>پسر شاهزاده است، ولی معشوق او عروسک است؛ دختری که شاهزاده با او ازدواج می‌کند، دختری زیباست.</p>	<p>ویژگی‌های</p>

	بارز طرفین
شاهزاده با یک نظر عاشق عروسک می شود. در پایان قصه شاهزاده می فهمد که عاشق عروسک بوده است؛ شاهزاده دختری را که برایش عقد می کند، می پسندد.	عشق
معشوق عروسک است.	موانع ازدواج
با تدبیر تاجر، مشکل ازدواج حل می شود.	نیروهای یاریگر

جدول شماره ۴- درویش و دختر پادشاه چین (۱) و (۲) ^۳ (B۳۰۲*) (همان، ۶۱-۶۷)

بچه دارنشدن پادشاه و حل این مشکل با دعای درویش مشروط بر اینکه اگر بچه پسر شد، او را یک سال به درویش بدهند؛ برگشت درویش پس از چهارده سال و نشان دادن عکس دختر پادشاه چین به پسر؛ عاشق شدن پسر با دیدن عکس؛ رفتن به چین و عاشق شدن دختر پادشاه چین با دیدن پسر؛ مخالفت شاه با ازدواج آنها؛ درمان بیماری دختر توسط درویش و ازدواج دختر و پسر	کنش های اصلی
دختر و پسر هر دو شاهزاده هستند، ولی پسر با شمایل درویشی به بارگاه پادشاه چین می رود؛ در قصه (۱) دختر پادشاه چین زیباست و پسر با دیدن عکس شیفته او می شود؛ در قصه (۲) پسر بسیار زیباروست.	ویژگی های بارز طرفین
در قصه (۱) پسر با دیدن عکس دختر، عاشق می شود و همراه درویش به چین می رود، دختر نیز با یکبار دیدن پسر در لباس درویشی شیفته او می شود. در قصه (۲) دختر تنها با شنیدن وصف شاهزاده، عاشق می شود.	عشق
در قصه (۱) افعی درون شکم دختر جای دارد و به همین دلیل هر کس نفسش به نفس دختر بخورد، می میرد. در قصه (۲) افعی در دماغ دختر جای دارد.	موانع ازدواج
درویش در هر دو قصه دختر را معالجه می کند، به شرط اینکه دختر را به پسر بدهند.	نیروهای یاریگر

جدول شماره ۵- دختر ماهی فروش و لنگه کفش (۴۸۰) (همان، ۱۱۱-۱۱۳)

کنش‌های اصلی	ظلم و نامهربانی نامادری به دختر؛ کمک کردن ننه‌ماهی به دختر ماهی فروش به جای مادرش؛ رفتن دختر به مهمانی با کمک ننه‌ماهی؛ جاماندن کفش دختر و عاشق شدن پسر پادشاه اصفهان تنها با دیدن لنگه کفش دختر؛ کارشکنی نامادری برای اینکه دختر خود را به عقد شاهزاده در بیاورد.
ویژگی‌های بارز طرفین	پسر شاهزاده اصفهان است، اما دختر از طبقه پایین جامعه است؛ دختر بسیار زیباست.
عشق	شاهزاده تنها با دیدن لنگه کفش دختر، عاشق او می‌شود.
موانع ازدواج	نامادری با حسادت‌های خود راه ازدواج دختر را سخت می‌کند.
نیروهای یاریگر	یک ماهی سخنگو به دختر کمک می‌کند تا به مهمانی برود و ترفندهای نامادری را نیز نقش بر آب می‌کند.

جدول شماره ۶- عاقبت حلواخوردن سه دختر خارکن (۷۰۷) (همان، ۱۱۴-۱۱۸)

کنش‌های اصلی	خوردن سهم حلوی مهمان مرد خارکن توسط دخترانش؛ رها کردن دختران در بیابان به مجازات این کار خطا؛ یافتن راه به کمک کبوتر و رسیدن به شکارگاه شاه؛ کمک کردن شاه به سه دختر و ازدواج دختر اول و دوم با پسران وزرا؛ ازدواج دختر سوم با پادشاه.
ویژگی‌های بارز طرفین	دختران از خانواده‌ای فقیر هستند؛ دختر اول و دوم با زیرکی سعی می‌کنند خود را نزد شاه شایسته نشان بدهند، ولی دختر سوم تنها هنر خود را زاییدن پسر برای شاه بیان می‌کند.
عشق	در قصه خبری از عشق نیست. دختر سوم به شاه می‌گوید که اگر شاه من را بگیرد، برای او پسر می‌زایم. شاه از اینکه دختر او را که پیرمرد است قبول می‌کند، خوشش می‌آید.
موانع ازدواج	سه دختر در بیابان رها شده‌اند و حامی و بزرگ‌تری ندارند.
نیروهای یاریگر	دو کبوتر سخنگو راه را به دختران نشان می‌دهند. شاه با شنیدن داستان آن‌ها قبول می‌کند که بزرگ‌تر آن‌ها باشد.

جدول شماره ۷- پسر فقیر که با دخترعمویش فرار کرد (همان، ۱۸۵-۱۸۸)

کنش‌های اصلی	فقر پسر و مخالفت عمویش با ازدواج او و دخترش؛ فرار دختر و پسر و رفتن به اصفهان؛ نوشتن عریضه به شاه و درخواست کمک از او؛ حل مشکل توسط شاه.
ویژگی‌های بارز طرفین	خانواده دختر ثروتمند است؛ اما پسر ثروتی ندارد.
عشق و شیوه آشنایی	دخترعمو و پسرعمو همدیگر را دوست دارند و برای به هم رسیدن از شهرشان فرار می‌کنند.
موانع ازدواج	پدر دختر به سبب فقر پسر با ازدواجشان مخالف است.
نیروهای یاریگر	شاه و نیز تاجری در اصفهان برای ازدواج به آن‌ها کمک می‌کنند.

جدول شماره ۸- صندوقی که سوگلی هارون‌الرشید توش بود (همان، ۱۹۸-۲۰۳)

کنش‌های اصلی	خریدن صندوق در بسته توسط پسر؛ یافتن سوگلی هارون‌الرشید در صندوق و مطلع شدن از توطئه اطرافیان علیه سوگلی؛ رساندن سوگلی به هارون‌الرشید؛ ازدواج پسر با یکی از دختران حرم‌سرا به‌عنوان پاداش.
ویژگی‌های بارز طرفین	پسر از خانواده‌ای معمولی است که به دنبال کار است. دختر قصه دختری باکره از حرم‌سرای هارون است.
عشق	دختر را به‌عنوان پاداش به پسر می‌دهند، عشقی در میان نیست.

جدول شماره ۹- یه کلاغ شد چهل کلاغ (۲) (۱۳۸۱D) (همان، ۱۷۲-۱۸۰)

کنش‌های اصلی	پیدا کردن خمره‌ای طلا توسط مرد خارکن؛ طلاق همسر اول به دلیل عدم راز نگه‌داری؛ تاجر شدن مرد و شراکت او با شخصی دیگر؛ دیدن دو دختر از خانواده‌های ثروتمند و طالب شدن خارکن و شریکش؛ تلاش مرحله به مرحله برای ازدواج.
--------------	--

ویژگی‌های بارز طرفین	خارکن به ثروتی عظیم دست می‌یابد. شریک او از کودکی در بازار بوده و زبان‌آورتر از مرد خارکن است؛ دو دختر از خانواده‌ای ثروتمند هستند.
عشق و شیوه آشنایی	دختران برای خرید به حجره خارکن و شریکش می‌روند و هر دو مرد طالب آن‌ها می‌شوند. در روز اول دیدار، موضوع را با دخترها در میان می‌گذارند دختران نیز راضی به ازدواج هستند. دخترها به مرد خارکن و شریکش پیشنهاد می‌دهند که خانه آن‌ها را کرایه کنند تا بتوانند به خواستگاری دختران بیایند.
موانع ازدواج	مرد خارکن و شریکش کسی را ندارند که برایشان به خواستگاری برود و این از نظر خانواده دختران پذیرفتنی نیست.
نیروهای یاریگر	راهنمایی دختران راهی برای آشناسدن با خانواده و ازدواج می‌گشاید.

جدول شماره ۱۰- عهد شب زفاف (۹۷۶) (همان، ۱۹۴-۱۹۷)

کنش‌های اصلی	عشق پسرعمو به دخترعموی ثروتمند و مخالفت پدر دختر با ازدواج آن‌ها؛ عقد دختر برای پسر وزیر و گرفتن عهد از پسر وزیر؛ ماندن پسر وزیر بر سر عهد خود و راضی شدن پسرعمو به ازدواج معشوقش به دلیل مردانگی پسر وزیر؛ بازکردن زبان دختر پادشاه توسط پسر و ازدواج با دختر پادشاه به پاداش این کار.
ویژگی‌های بارز طرفین	پسرعمو جوانی است مسگر و باگذشت؛ دختر پادشاه تظاهر به لال بودن می‌کند
عشق	در قصه صحبت از دو عشق است، یکی عشق پسر مسگر به دخترعمویش و دیگری عشق دختر پادشاه به پسر سبزی‌فروش.
موانع ازدواج	مخالفت پدر دختر به دلیل فقر پسر.
نیروهای یاریگر	شیر و دزد در رسیدن پسر به دختر شاه مؤثر هستند.

جدول شماره ۱۱- حسن و خلیفه هارون الرشید (همان، ۲۲۶-۲۴۴)

کنش‌های اصلی	رفتن حسن به میهمانی و خوردن شراب از دست رقاصه‌ای زیبا خلاف میل پدر؛ فرار از خانه از ترس پدر و رفتن به بغداد؛ زیبایی حسن و عشق دختر وزیر به او و ازدواج آن‌ها خلاف نظر خانواده؛ عشق دختر دیگر وزیر به حسن؛ کشته شدن دختر دوم وزیر به سبب مکر خود او؛ پایان یافتن جریان قتل با مداخله هارون.
ویژگی‌های بارز طرفین	حسن بسیار زیباست؛ دختر وزیر نیز زیبا و با جسارت است.
عشق	در قصه سخن از چند عشق است: ۱. عشق حسن به دختر رقاصه که بدون فرجام است و باعث فرار حسن از شهر می‌شود. ۲. عشق دختر وزیر به حسن و ازدواج آن‌ها. ۳. عشق خواهرزن حسن به او و رابطه پنهان آن‌ها که به مرگ خواهرزن منجر می‌شود.
موانع ازدواج	وزیر به دلیل انجام کار خطای دختر و حسن، آن‌ها را نمی‌پذیرد.
نیروهای یاریگر	خلیفه حامی حسن و دختر است.

جدول شماره ۱۲- اسدالله که هم دخترعموشو گرفت، هم دختر پادشاهو

(همان، ۲۰۴-۲۰۹)

کنش‌های اصلی	اسدالله و دخترعمویش ناف بریده هم هستند؛ علاقه زیاد شاه به اسدالله و تدارک مراسم عروسی برای او و دختر خودش؛ ناتوان بودن اسدالله از سرباززدن از تصمیم شاه؛ به کار بستن سیاست برای ازدواج با دخترعمو و ازدواج دوم با دختر شاه.
ویژگی‌های بارز طرفین	اسدالله تاجرزاده، باهوش و ملازم شاه است؛ هر دو دختر قصه زیبارو هستند.

شکل‌شناسی ازدواج در قصه‌های عامه _____ نرگس باقری و همکار

عشق	اسدالله و دخترعمویش ناف‌بریده هم هستند و به هم مهر می‌ورزند و مجبورند به صورت پنهانی ازدواج کنند.
موانع ازدواج	درخواست شاه برای ازدواج دخترش و اسدالله، مانع ازدواج او و دخترعمویش است.
نیروهای یاریگر	ذکاوت اسدالله مشکل را حل می‌کند.

جدول شماره ۱۳- زن بی‌غیرت پادشاه که از ماهی نر رو می‌گرفت (۱۳۶۰C)

(همان، ۲۸۰-۲۸۴)

کنش‌های اصلی	خیانت زن شاه و اثبات این موضوع به شاه توسط دختر کلفت؛ کشته شدن زن خیانتکار؛ ازدواج شاه با دختر.
ویژگی‌های بارز طرفین	دختری کلفتی است که با زیرکی خیانت همسر شاه را به او ثابت می‌کند.
عشق	دلیل ازدواج عشق نیست، تنها پاداشی است برای دختر

جدول شماره ۱۴- برادر ناتنی و گنج آقاموشه (۵۵۴) (همان، ۲۹۳-۳۰۲)

کنش‌های اصلی	تقسیم ناعادلانه میراث پدری بین سه برادر و ناحقی برادر بزرگ‌تر در حق برادران؛ رسیدن برادر ناتنی به گنجی فروان با کمک یک موش؛ شریک شدن دو برادر کوچک‌تر؛ ازدواج دو برادر با دختران وزیر.
ویژگی‌های بارز طرفین	برادر ناتنی در این قصه فردی ساده و باسخاوت است.
عشق	دختر نخست‌وزیر به حجره پسر می‌آید و با شنیدن صحبت کردن او عاشق می‌شود.
موانع ازدواج	برادر ناتنی دلیل ازدواج نکردن خود را نبودن مادر می‌داند که نیست تا برای آن‌ها به خواستگاری برود.

نیروهای یاریگر	موش برای دو برادر اشرفی می آورد و هردو ثروتمند می شوند. همسر نخست وزیر در حق آن‌ها مادری می کند.
----------------	--

جدول شماره ۱۵- حاتم طایی (۴۶۱*) (همان، ۱۱۹-۱۲۹)

کنش‌های اصلی	تصمیم حاتم برای کمک به جوانی که از غم عشق نالان است؛ تنها شرط ازدواج دختر پاسخ دادن به سؤالی سخت است؛ رفتن حاتم به سفری پرخطر برای یافتن جواب و رخ دادن اتفاقاتی همچون کمک به آهو و شغال و هم صحبت شدن با آن‌ها؛ ازدواج حاتم با دختر شاه خرسان و دختر ماهی در طول سفر؛ رفتن به کوه قاف و یافتن پاسخ و رسیدن جوان به عشقش.
ویژگی‌های بارز طرفین	پسر عاشق شاهزاده شام است و دختر ملکه عشق آباد.
عشق	ابتدای قصه سخن از عشق شاهزاده است؛ ازدواج حاتم با دختر شاه خرسان و دختر ماهی با پیشنهاد دختران و تقریباً با اجبار صورت می گیرد.
موانع ازدواج	شرط ازدواج، یافتن پاسخ برای سؤالی سخت است.
نیروهای یاریگر	حاتم طایی به جوان کمک می کند و راهی سفر می شود. در طول سفر حیوانات سخنگو و موجودات خیالی به حاتم کمک می کنند.

جدول شماره ۱۶- زندگی دختری که از پدرش تسبیح مروارید سوغاتی گرفت

(همان، ۴۰۸-۴۱۳)

کنش‌های اصلی	دختر از پدر خود می خواهد که تسبیح مروارید برای او سوغات بیاورد. نرسیده به شهر خود، غلامی همراه با جوان زیبارو از جوی آب بیرون می آیند و به او تسبیح مروارید می دهند، به شرطی که صاحب تسبیح را به او بدهند؛ ازدواج دختر با جوان زیبارو و بچه دار شدن؛ ازدواج خواهر بزرگ تر دختر با پسر باغبان این جوان.
ویژگی‌های بارز طرفین	دختر تاجرزاده است؛ پسر جوانی ماهرو و ثروتمند است که خانه‌هایی زیر چشمه آب دارد.

عشق	تنها دلیل ازدواج اول، تسبیح مروارید است. در ازدواج خواهر بزرگ‌تر با پسر باغبان، پسر پس از دیدن دختر خواهان او می‌شود.
-----	---

جدول شماره ۱۷- ملک جمشید و دیب سب‌دزد (۳۰۱) (همان، ۳۳۲-۳۳۷)

کنش‌های اصلی	قطع کردن ملک جمشید دست دیو سب‌دزد را و ولیعهدشدن او به سبب این شجاعت؛ حسادت برادران و انداختن ملک جمشید در چاهی که مکان دیو است؛ دیدن دختر پادشاه هند در چاه و پیدا کردن شیشه عمر دیو با کمک دختر؛ کشتن دیو و ازدواج ملک جمشید با دختر پادشاه هند.
ویژگی‌های بارز طرفین	دختر بسیار زیباست. شجاعت ملک جمشید سبب ولیعهدشدن او می‌شود.
عشق	ملک جمشید دختر را در چاه می‌بیند و در پایان قصه با او ازدواج می‌کند؛ در قصه تنها از علاقه زیاد دیو به دختر سخن به میان آمده است.
موانع ازدواج	دختر و ملک جمشید هر دو در چاه اسیر دیو هستند.
نیروهای یاریگر	با کمک دختر، ملک جمشید شیشه عمر دیو را می‌یابد.

جدول شماره ۱۸- کچل دهاتی که به مقام داماد شاه رسید^۴ (۳۵۵F*)

(همان، ۴۱۴-۴۲۴)

کنش‌های اصلی	رفتن کچل دهاتی به شهر همراه با تاجر؛ درمان شدن کچلی پسر و نمایان شدن زیبایی او؛ رفتن دایه دختر پادشاه به بازار و شیفته پسر شدن؛ توصیف زیبایی پسر برای دختر پادشاه توسط دایه؛ رفتن دختر پادشاه به بازار و عاشق پسر دهاتی شدن؛ دعوت کردن پسر دهاتی به شکارگاه برای نزدیک کردن او به پادشاه توسط دختر و دایه؛ یاد دادن شکار به پسر دهاتی؛ شکار شیر توسط پسر و درخواست ازدواج با دختر پادشاه به پادشاه انجام این عمل؛ موافقت شاه با ازدواج.
ویژگی‌های	پسر کچلی دارد، ولی وقتی درمان می‌شود زیبایی چشمگیرش نمایان

بارز طرفین	می‌شود؛ پسر با استعداد و خوش‌زبان است؛ دختر شاهزاده و زیباروست.
عشق	دختر با شنیدن وصف پسر دهاتی عاشق می‌شود، ولی پسر بعد از اینکه بار دوم دختر را دید، طالب او می‌شود.
موانع ازدواج	پسر هیچ دارایی ندارد که بتواند با پشتیبانی آن از دختر خواستگاری کند.
نیروهای یاریگر	دختر پادشاه و دایه او هر کدام به نحوی به پسر کمک می‌کنند تا او بتواند خودش را به شاه ثابت کند. وزیر دربار پسر را به جای فرزند قبول می‌کند.

جدول شماره ۱۹- شاهپورشاه که درد احمدشاه را دوا کرد (همان، ۴۳۰-۴۳۸)

کنش‌های اصلی	عشق احمدشاه به دختر پادشاه ایران؛ شرط دختر برای ازدواج نجات خواهرش از دست دیو کوه قاف است؛ قول شاهپورشاه برای کمک به احمدشاه؛ رفتن شاهپور به سفر برای نجات خواهر دختر؛ کمک مرغ سخنگو برای رسیدن به کوه قاف؛ نجات دختر از دست سه دیو که بر سر دختر نزاع دارند؛ ازدواج شاهپورشاه با دختر نجات‌یافته؛ ازدواج احمدشاه و معشوقش.
ویژگی‌های بارز طرفین	احمدشاه با اینکه از عشق نالان است، اما خودش خطر نمی‌کند؛ دختر شاهزاده ایران زمین است.
عشق	قصه با اشاره به عشق احمدشاه آغاز می‌شود، ولی ادامه قصه، عاشقانه نیست.
موانع ازدواج	شرط ازدواج رفتن به کوه قاف و نجات خواهر دختر از دست دیو است.
نیروهای یاریگر	شاهپورشاه برای کمک به احمدشاه راهی سفر می‌شود. در طول سفر مرغ سخنگو، سرمه‌دان و قالیچه جادویی از جمله نیروهای یاریگرند.

جدول شماره ۲۰- خارکنی که عشقش دختر پادشاه را دوباره زنده کرد (۱) و (۲) ^۵ A)

(۸۸۵) (همان، ۴۴۷-۴۵۹)

کنش‌های اصلی	عاشق‌شدن پیرمرد خارکن با دیدن دختر پادشاه؛ خواستگاری پیرمرد و جواب منفی گرفتن؛ نالیدن پیرمرد به درگاه خدا؛ مردن دختر و بیرون آوردن او از قبر توسط خارکن و اکتفا به معشوق مرده؛ زنده‌شدن دختر و دادن دختر به پیرمرد به مزدگانی زنده‌شدنش.
--------------	--

ویژگی‌های بارز طرفین	پیرمرد در قصه (۱) خارکنی است که همسر دارد، ولی در قصه (۲) همسر پیرمرد فوت شده است؛ دختر شاهزاده و زیباروست.
عشق	در قصه (۱) پیرمرد تنها با یکبار دیدن دختر عاشق می‌شود. در قصه (۲) پیرمرد خارکن به باغ شاه می‌رود، دختر با او صحبت می‌کند. بعد از چند روز آتش عشق در دل پیرمرد شعله‌ور می‌شود.
موانع ازدواج	پیرمرد خارکن است و پادشاه دختر خود را به او نمی‌دهد.
نیروهای یاریگر	پیرمرد دست به دعا برمی‌دارد و دعایش مستجاب می‌شود.

جدول شماره ۲۱- ملک‌محمد که تقاص بردارانش را از دختر بی‌رحم گرفت (۵۳۰)
(همان، ۴۵۹-۴۶۵)

کنش‌های اصلی	وصیت پادشاه به پسران برای نگهداری بر سر قبر پدر به مدت سه شب؛ سرپیچی دو برادر بزرگ‌تر و اطاعت برادر کوچک‌تر از وصیت؛ رفتن دو برادر بزرگ‌تر از دروازه‌ای ممنوعه به شهری غریب و عاشق دختر پادشاه آن شهر شدن؛ کشته‌شدن دو برادر ملک‌محمد در راه انجام شرط ازدواج دختر؛ رفتن ملک‌محمد به شهر و یافتن پاسخ سؤالات دختر با کمک اسب خود؛ ازدواج با دختر و کشتن او در شب زفاف به انتقام خون برادران.
ویژگی‌های بارز طرفین	ملک‌محمد شاهزاده‌ای شجاع است که به‌دلیل گرفتن انتقام برادران خود دست از عشق می‌کشد؛ دختر شاهزاده‌ای زیبا و بی‌رحم است.
عشق	دو برادر ملک‌محمد با یکبار دیدن دختر عاشقش می‌شوند و در راه این عشق کشته می‌شوند. ملک‌محمد نیز عاشق دختر می‌شود، ولی وقتی سر بریده برادران خود را می‌بیند از عشق دست می‌کشد.
موانع ازدواج	شرط ازدواج دختر پاسخ به سؤالی سخت، رفتن به حمامی طلسم‌شده و پختن حلواست که کسی از پس این کارها نمی‌تواند برآید.
نیروهای یاریگر	اسب ملک‌محمد از جنس پریان است و به او کمک می‌کند شرط را انجام دهد.

در ادامه با توجه به جدول‌های مطرح‌شده به دسته‌بندی موضوعات مهم در قصه‌ها پرداخته خواهد شد. گفتنی است با مقایسه این دسته‌بندی‌ها با خویشکاری‌های بیست‌گانه در ساختار داستانی منظومه‌های عاشقانه در کتاب *یک‌صد منظومه عاشقانه فارسی* (ذوالفقاری، ۱۳۹۲)، می‌توان به نقاط تشابه مهمی رسید.

۳-۲. تحلیل و بررسی

۳-۲-۱. شخصیت‌پردازی طرفین

در قصه محور ماجرا بر حوادث خلق‌الساعه می‌گردد. حوادث قصه‌ها را به‌وجود می‌آورد و رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهد، بی‌آنکه در گسترش و بازسازی شخصیت‌های قصه نقشی داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، شخصیت‌ها در قصه کمتر دگرگونی می‌یابند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگون‌اند (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۷۱). آنچه در روایت ازدواج در قصه‌های عامه بیش از هر موضوعی دیده می‌شود، تیپ‌های داستانی تقریباً مشابهی است که قصه حول محور آن‌ها به جریان می‌افتد. قصه‌ها یا داستان ازدواج دو شاهزاده است یا قصه دختری فقیر است که پسری ثروتمند عاشق او می‌شود و با او ازدواج می‌کند؛ یا برعکس، رسیدن پسر فقیر به دختری متمول است که در هر صورت پایان خوشی برای قصه است. همچنین ازدواج انسان با موجودات ماورائی و خیالی نیز در خلال قصه‌ها یافت می‌شود. با نگاهی اجمالی به بخش پیشین می‌توان دریافت که در قصه‌های گلین خانوم نیز این‌گونه شخصیت‌پردازی کاملاً بارز است.

۳-۲-۲. ازدواج دو شاهزاده

در قصه‌های «کره دریایی (۱) و (۲)»، «ملک‌محمد و دختر شاپورشاه»، «درویش و دختر پادشاه چین» و قصه «شاپورشاه که درد احمدشاه را دوا کرد» طرفین هر دو شاهزاده هستند.

۱-۲-۳. ازدواج پسر شاهزاده با دختر فقیر

در قصه «دختر ماهی‌فروش و لنگه‌کفش» پسر شاه عاشق دختر ماهی‌فروش می‌شود و در قصه «عاقبت حلوا خوردن سه دختر خارکن» دختر سوم خارکن با شاه ازدواج می‌کند.

۲-۲-۳. ازدواج پسر فقیر و دختر شاه

در قصه‌های «خارکنی که عشقش دختر پادشاه را زنده کرد (۱) و (۲)»، پیرمرد خارکن به وصال دختر شاه می‌رسد. در قصه‌های «حسین‌قلی چوپان که به مقام ملک‌التجار رسید»، «کچل دهاتی که به مقام داماد شاه رسید» و «عهد شب زفاف» نیز قهرمانان داستان، پسران فقیری هستند که با دختری از خانواده شاه و یا خانواده‌ای ثروتمند وصلت می‌کنند. در قصه «پسر فقیر که با دختر عموش فرار کرد»، پدر ثروتمند دختر به دلیل فقیر بودن پسر راضی به ازدواج آن‌ها نیست؛ ولی در پایان با وساطت شاه آن‌ها به هم می‌رسند.

می‌توان چنین برداشت کرد که در باور جمعی گذشتگان رسیدن به ثروت از طریق ازدواج با شخصی متمول و قدرتمند یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای رسیدن به خوشبختی بوده است؛ چنان‌که در حال حاضر نیز چنین تفکراتی در برخی از اقشار جامعه وجود دارد. فاصله طبقاتی و رنج و سختی زندگی مردمان فرودست در ادوار مختلف بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری چنین تفکری است. از آنجا که قصه‌ها خاستگاه آرزوهای ناکام و تحقق‌نیافته جوامع است، پس وفور این گونه قصه‌ها (قصه ازدواج فقیر و شاهزاده) در ادبیات شفاهی دور از انتظار نیست.

۳-۲-۳. ازدواج با موجودات ماورائی

در قصه «ملک محمد و طلسم دختر شاپور شاه»، ملک محمد با دختری ازدواج می‌کند که ظاهراً شبیه انسان‌هاست؛ اما نیرویی غیرعادی دارد. دختر از جوی آب بیرون می‌آید و با چوب‌دستی خود هرکس را که بخواهد به سنگ مبدل می‌کند.

در «حاتم طایی»، حاتم با دختر شاه خراسان - که نصف تنش انسان و نصف دیگر خرس است - و دختر ماهی - که او نیز نیم ماهی و نیم انسان است - ازدواج می‌کند.

۱-۳-۲-۳. ویژگی‌های ظاهری

دختران و پسرانی که در این قصه‌ها با هم ازدواج می‌کنند، همه زیبارو هستند و در توصیف آن‌ها تنها به زیبایی به صورت عام کلمه بسنده شده است. زیبایی مهم‌ترین عامل رخداد عشق در قصه‌هاست.

۴-۲-۳. عشق و شیوه آشنایی

قصه‌هایی که الولساتن جمع‌آوری کرده، بیشتر کوتاه هستند و مجالی برای پرداختن به جزئیات باقی نمانده است. در قصه‌ها خبری از گفت‌و شنود عاشقانه نیست، تنها زیبایی و شکوه ظاهری کافی است تا جرعه عشق در دل شخصیت‌های قصه زده شود. عاشق قصه‌های ایرانی منفعل نیست، حتی شنیدن وصف معشوق، یا دیدن پیکره‌ای، او را به حرکت درمی‌آورد و رنج سفر را به جان می‌خرد تا وصل یابد (رضایی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۹۴). با مراجعه به موضوعات مهم در جدول‌های ۱-۲۰ مشخص می‌شود که در این قصه‌ها شروع عشق هم از جانب پسر است و هم از جانب دختر. عشق در یک نگاه اتفاق می‌افتد و یا حتی تنها با شنیدن اوصاف دختر و پسر و یا کمی دور از ذهن‌تر، تنها با دیدن نشانه‌ای (همچون لنگه‌کفش) آتش عشق شعله‌ور می‌شود (عاشق‌شدن غیابی) و پس از آن تنها روایت چگونه رسیدن دختر و پسر به یکدیگر است؛ خلاف منظومه‌های غنایی که اوج هنر شاعر در بیان سوز و گداز عشق متجلی می‌شود. نکته دیگر درباره عشق در این قصه‌ها این است که تمامی عشق‌ها با هدف ازدواج است و وصال در آن‌ها به معنی ازدواج قانونی و عرفی است. توجه به مسائل اخلاقی و همچنین عرف جامعه یکی از موارد مهم در قصه‌های عاشقانه ایرانی است. در این افسانه‌ها، عاشق و

معشوق تا پیش از عقد رسمی، به صورت کاملاً آگاهانه خود را از مناسبات جنسی حفظ می‌کنند (جعفری قنواتی، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

۱-۴-۲-۳. عشق در یک نگاه

در قصه «درویش و دختر پادشاه چین (۱)»، دختر پادشاه چین با نخستین نگاه عاشق پسر می‌شود (ساتن، ۱۳۷۴: ۶۱-۶۷). در «عروسک بلور» پسر پادشاه با یکبار دیدن عروسک پشت پنجره به خیال اینکه دختر است، عاشق می‌شود.

پیرمرد خارکن در قصه «خارکنی که عشقش دختر پادشاه را دوباره زنده کرد» دختر شاه را هنگام بیرون آمدن از حمام می‌بیند و عاشق او می‌شود. دختر پادشاه اصفهان در قصه «امتحان سه پسر پادشاه در اصفهان» بدون آنکه از شاهزاده‌بودن پسری که به شهرشان آمده است، خبر داشته باشد، عاشقش می‌شود. در قصه «حسن و خلیفه هارون‌الرشید» نیز دختر وزیر عاشق ظاهر زیبای حسن می‌شود.

۲-۴-۲-۳. عاشق شدن غیابی

در قصه «ملک محمد و طلسم دختر شاپورشاه» پسر پادشاه مصر تنها با دیدن لنگه‌کفشی از دختر خواهان او می‌شود و می‌خواهد که دختر را برای او بیاورند. در قصه «دختر ماهی فروش و لنگه‌کفش» پسر پادشاه اصفهان لنگه‌کفش دختر ماهی‌فروش را می‌بیند و ندیده عاشق صاحب آن می‌شود. در قصه «کچل دهاتی که به مقام داماد شاه رسید»، دختر پادشاه وصف پسر دهاتی را از دایه خود می‌شنود و خواهان او می‌شود.

در قصه «درویش و دختر پادشاه چین (۲)»، دختر طالب پسر پادشاه است و به این دلیل که درویش به او قول داده پسر را پیش او بیاورد و هنوز این کار صورت نگرفته، بیمار شده است. نکته اصلی اینجاست که دختر هنوز پسر را ندیده و عاشق اوست. در نخستین دیدار، دختر از شدت عشق از هوش می‌رود.

۵-۲-۳. نمودی از تقابل خیر و شر در داستان ازدواج

پیام ادبیات شفاهی در قالب قصه نمودی از «خیر» و «شر» و عاقبت پاداش یافته است و آنچه از این دو جدا می‌شود، بیراه از زندگی زمینی و زیست در جامعه نیست (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در قصه‌ها خوبان نیک‌پرست، زیبا، نیک‌اندیش و قهرمان‌اند و با بدان - که شریر، زشت و بدنهادند - در جنگ‌اند و سرانجام بر آن‌ها پیروز می‌شوند (دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ۱۳۹۳: ۳۱۹). در داستان‌های ازدواج نیز این تقابل وجود دارد. موانع ازدواج، شرط‌ها، دسیسه‌ها و حسادت‌ها از دسته همان نیروهای «شر» هستند. گاه عامل «شر» موجودی است اهریمنی همچون دیو و یا انسانی بدمنش که کارشکنی و حسادت او، مانعی بر سر راه وصال جوانان است. در مقابل آن، نیروی «خیر» و یارگیری وجود دارد که یا از دسته پریان و جادوان است یا بزرگی خیرخواه که راه وصال را هموار می‌کند.

۶-۲-۳. موانع ازدواج

در قصه «درویش و دختر پادشاه چین (۱) و (۲)»، یک افعی در دماغ دختر پادشاه چین جای دارد و به همین دلیل او نمی‌تواند با کسی ازدواج کند. هرکس نفسش به نفس دختر بخورد، خواهد مرد.

در قصه «ملک محمد و طلسم دختر شاپور شاه» دختری با نیروی جادویی وجود دارد که هر کس به نزدیک حریم او می‌رسد، دختر با چوبی سحرآمیز او را بدل به سنگ می‌کند. نامادری «دختر ماهی فروش» با او ناسازگاری می‌کند و وقتی پسر پادشاه اصفهان به دنبال او می‌گردد، تمام تلاشش را می‌کند تا دختر خود را به جای دختر ماهی فروش جا بزند و وقتی موفق نمی‌شود باز از سر حسادت برای ازدواج آن‌ها مانع تراشی می‌کند.

در قصه «حاتم طایی» جوانی از عشق دختر بازرگان می‌نالند. دختر شرط ازدواجش را یافتن پاسخ برای سؤالات خود گذاشته است؛ ولی یافتن پاسخ این سؤالات آسان نیست و راهی پرخطر پیش روی جوان است.

احمدشاه در قصه «شاپور شاه که درد احمدشاه را دوا کرد»، عاشق دختری در ایران زمین است؛ اما دختر تنها در صورتی ازدواج می‌کند که خواستگار او خواهرش را، که در چنگ دیو اسیر است، نجات دهد.

دو برادر ملک محمد در قصه «ملک محمد» به شهری می‌روند و عاشق دختر پادشاه آن شهر می‌شوند؛ اما دختر، خواستگاری را که به سؤالات او جواب ندهند، می‌کشد. نیروهای سحرآمیز و جادویی مانع یافتن پاسخ می‌شوند.

در برخی قصه‌ها، موانع ازدواج به مشکلات زندگی مردم عادی نزدیک است. در دو قصه «عهد شب زفاف» و «پسر فقیر که با دختر عموش فرار کرد»، پدر دختر به دلیل فقر پسر، اجازه ازدواج نمی‌دهد.

۷-۲-۳. نیروهای یاریگر

در هر کدام از این قصه‌ها که موضوع ازدواج در میان است، مخاطب کمتر در گیرودار شرط و شروط ازدواج و سختگیری‌ها به انتظار می‌نشیند؛ دستی یاریگر به کمک قهرمان و عاشق بی‌تاب از عشق می‌آید. در کل در ادبیات عامه امید و خوش بینی موج می‌زند. در داستان‌های عامه وقتی قهرمان دستش از همه جا کوتاه می‌شود، به غیب و جادو و انجام کارهای خارق‌العاده روی می‌آورد و به این ترتیب، پیروزی را برای خود مسلم می‌سازد (بیهقی، ۱۳۶۵: ۳۲). در این قصه‌ها نیز نیروی ماورائی و یا انسانی، قهرمان را از بند سحرها و حيله‌ها رهایی می‌بخشد و اگر هیچ‌کدام از این‌ها نباشد، زیبایی چشمگیر قهرمان قصه، شاه و یا بزرگ‌زاده‌ای را مقهور خود می‌کند تا به یاری او بیایند و راه ازدواج را برای او هموار کنند. خلاف برخی از داستان‌های عاشقانه، این قصه‌ها تماماً پایانی خوش دارند (به جز قصه «ملک محمد که تقاص برادرانش را از دختر بی‌رحم

گرفت» که البته پایان آن را هم می‌توان به نوعی خوش دانست). قهرمان قصه ازدواج می‌کند، شهر را آذین می‌بندند، هفت شبانه‌روز مردم شادی می‌کنند و پس از آن قصه در اوج خوشی و خرمی پایان می‌پذیرد. مراد و وصل و خوش‌باشی در ادبیات عاشقانه به قول گره‌هاست مشخصه قصه‌های ایرانی است که به تحقیق به ریشه‌های پارسی و ساسانی این قصه‌ها می‌رسد. گره‌هاست می‌نویسد: «فاصله زیادی میان عاشقان ایرانی و عرب وجود دارد. عاشق ایرانی دشواری‌های بسیاری را تحمل می‌کند و در نهایت محبوبش را به دست می‌آورد. این در حالی است که عاشق عرب تنها رنج می‌کشد. آواز می‌خواند و می‌میرد» (رضایی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

در قصه «درویش و دختر پادشاه چین (۱) و (۲)»، درویش راه وصل دختر و پسر را هموار می‌کند. در قصه «کره دریایی (۱) و (۲)»، پسر پادشاه اسبی با نیرویی غیرطبیعی دارد. اسب پسر را از حیل‌ها و ترفندهای زنان حرم‌سرای پدرش مطلع می‌کند و او را از خطر نجات می‌دهد و پس از آن کمک می‌کند تا شاهزاده با دختر پادشاه سرزمینی که پسر به آنجا فرار کرده است، ازدواج کند.

«ملک محمد» با شنیدن سخنان دو کبوتر از راز سحر «دختر شاپور شاه» مطلع می‌شود و مانند دو برادرش به سنگ تبدیل نمی‌شود؛ بلکه با دختر ازدواج می‌کند. این دو کبوتر در ادامه قصه نیز جان ملک محمد را نجات می‌دهند و به او کمک می‌کنند تا همسرش را دوباره به دست آورد.

«دختر ماهی فروش» از ظلم نامادری در عذاب است. روزی به کنار رودخانه می‌رود و ننه ماهی سر از آب بیرون می‌آورد و می‌گوید که من به جای مادرت به تو رسیدگی می‌کنم. ماهی به او کمک می‌کند تا با پسر پادشاه ازدواج کند.

مرد خارکن در قصه «عاقبت حلواخوردن سه دختر خارکن»، دخترانش را به جرم اینکه حلواهای میهمانان را خورده‌اند از خانه بیرون می‌کند؛ ولی شاه که داستان آن‌ها را می‌شنود قبول می‌کند که بزرگ‌تر آن‌ها باشد و هر سه دختر ازدواج می‌کنند.

شاه مشکل دخترعمو و پسرعموی عاشق را در قصه «پسر فقیر که با دخترعموش فرار کرد» حل می‌کند و آن دو با هم ازدواج می‌کنند. در قصه «حسن و خلیفه هارون‌الرشید» نیز خلیفه به کمک دختر و پسر می‌آید و آن‌ها را دست‌به‌دست‌هم می‌دهد.

در قصه «برادر ناتنی و گنج آقاموشه»، موشی سکه‌های طلا به دهن می‌گیرد و جلو پای قهرمان قصه می‌ریزد. او و برادرش با کمک این موش ثروتمند می‌شوند، به تجارت می‌پردازند و با دختران نخست‌وزیر ازدواج می‌کنند.

در قصه «حاتم طایی» پسر سلطان شام عاشق دختر بازرگانی است. شرط ازدواج دختر پاسخ‌دادن به سؤالی سخت است. حاتم به پسر قول کمک می‌دهد و برای یافتن پاسخ، راهی سفری پرفرازونشیب می‌شود. در این سفر اتفاقاتی تخیلی همچون حرف‌زدن با حیوانات، ازدواج با دختر شاه خرسان و ... برای او رخ می‌دهد و در پایان جواب سؤال را می‌یابد و پسر سلطان شام به عشقش می‌رسد.

در دو قصه «حسین‌قلی چوپان که به مقام ملک‌التجار رسید» و «پسر دهاتی که به مقام پادشاه رسید» زیبایی حسین‌قلی و پسر دهاتی چشمگیر است و همین باعث می‌شود، پادشاه به آن‌ها کمک کند تا داماد شوند.

در قصه «کچل دهاتی که به مقام داماد شاه رسید» کچل دهاتی همراه با تاجری به شهر می‌رود. همسر تاجر کچلی او را درمان می‌کند و زیبایی پسر هویدا می‌شود. دختر پادشاه او را می‌بیند و عاشق می‌شود؛ در نتیجه به پسر کمک می‌کند تا بتواند خود را به شاه ثابت کند و با یکدیگر ازدواج کنند.

قصه «شاهپور شاه که درد احمدشاه را دوا کرد» شباهت زیادی با قصه «حاتم طایی» دارد. در این قصه هم احمدشاه عاشق دختری است که شرط ازدواجش یافتن پاسخ سؤالات اوست. شاهپور هم مانند حاتم به کمک احمدشاه می‌رود و او را به عشقش می‌رساند.

در قصه «ملک محمد که تقاص برادرانش را از دختر بی‌رحم گرفت»، ملک محمد صاحب اسبی است که به گفته قصه از دسته پریان است. اسب به ملک محمد کمک می‌کند تا از سحر و جادوها جان سالم به‌در ببرد و به وصال دختر برسد. اگرچه ملک محمد در شب زفاف با آنکه عاشق دختر است، او را به خون‌خواهی قتل برادرانش می‌کشد.

۸-۲-۳. ازدواج با دختر به جای پاداش

در ادبیات غنایی و حماسی داستان‌هایی را سراغ داریم که ازدواج در آن‌ها با قصد و نیتی سیاسی بوده و دختر به عنوان وجه‌المصالحه داده شده است. در *قصه‌های مشدی گلین خانوم* چنین موضوعی وجود ندارد؛ اما همان‌گونه که در جدول‌های ۱-۲۱ اشاره شده، در برخی از قصه‌ها دلیل ازدواج، عشق و دوست‌داشتن نیست؛ بلکه ازدواج با دختر پاداشی است برای پسر و یا ازدواج با شاه پاداشی برای خوش‌خدمتی دختری از طبقه پایین جامعه در نظر گرفته می‌شود. گاه نیز یاریگر پسر به پاداش کارش، ازدواج پسر و دختر قصه را طلب می‌کند.

در قصه‌های «درویش و دختر پادشاه چین (۱) و (۲)»، درویش دختر را به شرطی معالجه می‌کند که در ازای خوب‌شدنش دختر را به پسری بدهند که همراه اوست و چون دختر مداوا می‌شود، دختر و پسر را به ازدواج هم در می‌آورند. پادشاه در قصه «عهد شب زفاف» عهد کرده است هر کس بتواند زبان دخترش را باز کند، دختر را به او بدهد.

در قصه «صندوقی که سوگلی هارون‌الرشید توش بود»، پسری از خانواده‌ای متوسط سوگلی هارون‌الرشید را نجات می‌دهد و پاداشش دختری باکره از حرم‌سرای شاه است. دختر کلفت در قصه «زن بی‌غیرت شاه که از ماهی نر رو می‌گرفت»، شاه را از خیانت همسرش مطلع می‌کند و به پاداش این کار شاه او را به عقد خود در می‌آورد.

در «چگونگی تقاضا گرفتن حسن» پدر ضعیفه (ضعیفه نام دختری است که در قصه به ناحق می‌میرد) دختر خواهر خود را به سبب عاطفه و جوانمردی به حسن می‌دهد (حسن عاشق ناکام ضعیفه است که خواهر خود را به سبب انتقام خون ضعیفه کشته است).

در قصه «تاجری که اقبالش برگشت و دوباره به او رو کرد (۲)»^۶ پس از آنکه بی‌گناهی تاجر ثابت می‌شود، شاه برای اینکه ظلم رفته بر او را جبران کند، دخترش را به عقد تاجر در می‌آورد (ساتن، ۱۳۷۴: ۳۶۸-۳۷۳).

درستکاری مرد سلمانی در قصه «دوستی مرد رنگرز و سلمانی»^۷ به شاه ثابت می‌شود و بنابراین شاه دستور می‌دهد دخترش را به عقد مرد سلمانی درآورند (همان، ۴۳۹-۴۴۶).

پیرمرد قصه «خارکنی که عشقش دختر پادشاه را دوباره زنده کرد» خبر زنده‌بودن دختر شاه را می‌آورد و از شاه درخواست می‌کند که برای پادشاه، دختر خود به او بدهد و شاه قبول می‌کند.

نتیجه‌گیری

موضوع ازدواج در قصه‌های عامه بیش از هر چیز راهی است برای رسیدن به پایان خوش. در *قصه‌های مشدی گلین خانوم*، عشق‌ها فرجامی نیکو دارند و شنوندگان و خوانندگان، رؤیای رسیدن به همسری از طبقه اشراف و شاهزادگان را در قصه، دست‌یافتنی می‌بینند. این قصه‌ها مملو است از داستان دختران فقیری که به عقد شاه یا شاهزادگان درآمده‌اند و یا پسران تهیدستی که به مقام دامادی شاه یا بزرگان نائل شده‌اند.

جرقه عشق تنها در یک نگاه زده می‌شود و یا حتی عاشق با شنیدن توصیف معشوق، دل از کف می‌دهد با این حال عشق‌ها تنها با هدف ازدواج است و وصال در آن‌ها به معنی ازدواج قانونی و عرفی است.

تقابل خیر و شر در این قصه‌ها نیز وجود دارد. مکرها، حسادت‌ها، سحرها، ترندها و شروط سخت بر سر راه جوانان قرار دارد؛ اما دستی یاریگر همواره در قصه‌هاست که به کمک قهرمان قصه می‌آید. این نیروی خیر، گاه انسانی بزرگ همچون شاه و یا وزیر است و گاه نیرویی ماورائی همچون پری‌زادگان، حیوانات سخنگو و اسباب و وسایل سحرانگیز که راه را برای ازدواج هموار می‌کنند.

از آنجا که ازدواج نیکو در تمام اعصار پسندیده و خواستنی است، در برخی از این قصه‌ها قهرمان به پاس انجام کار نیک با بزرگ‌زاده‌ای ازدواج می‌کند و کلید خوشبختی و آرامش به او داده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Erich Fromm

۲. این دو قصه با اختلافاتی جزئی در دو شماره (۱) و (۲) بیان شده‌اند؛ لذا برای دوری از تکرار مشخصات هر دو را در یک جدول بیان کرده‌ایم.
۳. این دو قصه نیز همانند قصه کره دریایی با اختلافاتی کم در دو شماره بیان شده‌اند.
۴. قصه «حسین قلی چوپان که به مقام ملک‌التجار رسید» (همان، ۱۶۱-۱۶۵)، با تفاوت اندک در جزئیات، با این داستان مشابه است؛ لذا از آوردن ویژگی‌های قصه در جدول جداگانه خودداری شد.
۵. این دو قصه با تفاوت‌های کم در جزئیات یک موضوع را بیان می‌کنند. برای پرهیز از تکرار مطالب هر دو در یک جدول آورده شده‌اند.
۶. به دلیل اینکه محتوای این قصه ارتباط زیادی با ازدواج نداشت و تنها در آخر قصه به ازدواج تاجر اشاره شده، نکته‌های قصه در جدول ۱-۲۱ وارد نشده است.
۷. در این قصه نیز تنها در پایان اشاره‌ای به ازدواج مرد سلمانی و دختر پادشاه شده است؛ بنابراین توضیحات این قصه در جدول‌ها وارد نشده است.

منابع

- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: اداره موزه‌های آستان قدس رضوی.

شکل‌شناسی ازدواج در قصه‌های عامه _____ نرگس باقری و همکار

- جعفری‌پور، میلاد (۱۳۸۹). «سبک‌های ازدواج در سمک عیار (بررسی برخی گزاره‌ها با رویکرد فمینیستی)». *نقد ادبی*. ش ۱۱-۱۲. صص ۱۴۳-۱۷۰.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۸۶). «بحثی در افسانه‌های عاشقانه ایرانی (با تکیه بر افسانه دختر فتنه خون‌ریز)». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*. ش ۷-۸. صص ۱۲۹-۱۳۶.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *یک صد منظومه عاشقانه فارسی*. تهران: چشمه.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۲). «درآمدی بر ریخت‌شناسی قصه‌های عاشقانه». *مجموعه مقالات زن و فرهنگ*. تهران: انتشارات پژوهشگاه مردم‌شناسی. صص ۱۸۴-۲۳۶.
- ساتن، ل. پ. ال (۱۳۷۴). *قصه‌های مشدی گلین خانوم (۱۱۰ قصه عامیانه ایرانی)*. تهران: نشر مرکز.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸). *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- شمشیری، بابک (۱۳۹۱). «عرفان اسلامی و دلالت‌های آن در حیطه روان‌شناسی ازدواج و خانواده». *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*. ش ۱۰. صص ۸۱-۹۴.
- عباسلو، احسان (۱۳۹۱). «نقد صورت‌گرایانه». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۶۵. صص ۹۳-۹۸.
- مشتاق‌مهر، رحمان و سعید کریمی قره‌بابا (۱۳۸۸). «شکل‌شناسی داستان‌های کوتاه محمود دولت‌آبادی». *نقد ادبی*. ش ۸. صص ۷۳-۱۱۰.
- مارزلف، اولریش (۱۳۹۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. چ ۳. تهران: سروش.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۲). *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. ج ۱. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- میهن‌دوست، محسن (۱۳۸۰). *پژوهش عمومی فرهنگ عامه*. تهران: توس.
- نوروزی‌طلب، علی‌رضا (۱۳۸۹). «جستاری در شکل‌شناسی اثر هنری و دریافت معنا». *نشریه هنر و معماری، باغ نظر*. ش ۱۴. صص ۶۹-۸۶.
- هیلنبرد، کارل (۱۳۹۰). «لارنس پاول ال ساتن». *نشریه جهان کتاب*. ش ۲۶۸-۲۶۹. صص ۱۲-۱۳.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی